

محمدعلی اسفغانی: با ۱۵ میلیون پرونده قضائی، تقریباً کمتر از یک چهارم جمعیت به نوعی درگیر دادگستری هستند

دادگاه‌های خالی از قاضی



دانستنی‌های حقوقی

چگونه می‌توان اقدامات وکیل بلاعزل را کنترل کرد؟

به گزارش میزان، چند نفر به عنوان موکل می‌توانند به یک نفر وکالت دهند یا این که یک نفر به چند وکیل وکالت دهد. این در حالی است که با توجه به جایز بودن عقد وکالت و نیز مستند به ماده ۶۷۹ قانون مدنی موکل می‌تواند هر وقت بخواهد وکیل را عزل کند، مگر آن که وکالت وکیل یا عدم عزل وکیل در ضمن عقد لازمی شرط شده باشد.

مطابق ماده ۶۵۶ قانون مدنی وکالت عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین طرف دیگر را برای انجام امری نایب خود می‌کند؛ بنابراین باید بیان داشت که چند نفر به عنوان موکل می‌توانند به یک نفر وکالت دهند یا این که یک نفر به چند وکیل وکالت دهد. این در حالی است که با توجه به جایز بودن عقد وکالت و نیز مستند به ماده ۶۷۶ قانون مدنی موکل می‌تواند هر وقت بخواهد وکیل را عزل کند، مگر آن که وکالت وکیل یا عدم عزل وکیل در ضمن عقد لازمی شرط شده باشد؛ بنابراین در این حالت عزل وکیل توسط موکل امری غیر ممکن می‌شود و این می‌تواند در اکثر موارد به ضرر موکل تمام شود، زیرا درست است که وی مطابق ظاهر با قصد و رضای کامل اقدام به اعطای نیابت کرده است، اما در ادامه راه هرگاه خسارت وکیل از مصلحت خود را دید باز هم نمی‌تواند وی را عزل کند هر چند که وکیل مطابق ماده ۶۶۶ قانون مدنی مسئول است، اما موکل برای سداد راه وکیل متخلف ناگزیر از مراجعه به محاکم و طرح شکایت است که با توجه به حجم بسیار بالای پرونده‌ها در دادگستری و نیز طولانی بودن رسیدگی در بیشتر موارد نوسداری پس از مرگ سهراب خواهد بود.

این در حالی است که یکی از راه‌های قانونی مقابله و پیشگیری از این وقایع، ضم نمودن

وکیل دیگر به وکیل اول است. به عبارتی دیگر، اختیار داشتن موکل در تعیین چند وکیل همسو با مواد مختلفی از قانون مدنی همچون ماده ۶۵۶، ۶۶۹، ۶۷۰ است، بنابراین به چه مجوز قانونی می‌توان موکل را از این حق قانونی خود در راستای اعطای وکالت به چند وکیل ضمن همان وکالت یا به صورت مجزا محروم کرد.

در تأیید این نظر علاوه بر مواد قانونی گفته شده به جویبه اختصاصی شماره ۳۴/۴۲۹۱ مورخ ۱۳۷۶/۴/۳ اداره کل امور اسناد و سردفتران سازمان ثبت نیز می‌توان اشاره کرد. همچنین مطابق دیگر مقررات و دستورالعمل‌های ثبتی موجود این امکان فراهم است. مطابق یکی از این مقررهای ثبتی به‌طور مثال اگر مالکی برای فروش ملک خود به کسی وکالت بلاعزل بدهد و بعداً وکیل دیگری را برای انجام همان کار تعیین و وی را به وکیل اول ضمیمه کرد که مورد وکالت را مجتمعاً انجام دهند، متعاقباً آن شخص، شخص دیگر را هم تعیین کند، وکیل مذکور در انجام مورد وکالت، می‌باید نظر شخصی سوم را هم اخذ و موافقت او را هم کسب کند و آنگاه اقدام به وکالت شود، انجام این امر و قید آن در سند رسمی سوم مخالفتی با قوانین موجود ندارد و عملی در حدود قانون و دارای اعتبار قانونی است.

امید است تا دفاتر اسناد رسمی همچون گذشته مطابق با آنچه گفته شد نسبت به اجرای قانون و عدالت و حفظ حقوق مردم و کمک در جلوگیری از بروز مشکلات و سوءاستفاده‌های افراد از اختیار اتشان و نیز درگیر کردن بی‌مورد دستگاه قضائی کشور با پرونده‌های بیشتر، توجه بیشتری داشته



بدانیم

پریشی و پاسخ حقوقی

دادرسی ضروری تشخیص دهد درج عبارت

«نتیجه عدم حضور جلب است» فاقد منع قانونی است.

• اگر قرار است عدم صلاحیت به صلاحیت دادسرای عمومی و انقلاب تهران باشد، به کجا باید ارسال شود. با توجه به این که تهران شهرستان بزرگی است و فقط می‌توانیم محل وقوع جرم تهران است.

در صورت قرار عدم صلاحیت دادسرای عمومی و انقلاب تهران پرونده به دادسرای عمومی و انقلاب تهران و پرونده به دادسرای عمومی مرکزی ارسال خواهد شد.

صدور قرار بازداشت موقت فقط به استناد هر یک از بندهای الف، ب، ج، و ه، ماده ۲۲ قانون آیین دادرسی کیفری جایز است؛ لیکن منحصراً به موارد فوق نیست و طبق ماده ۳۵ قانون مذکور در بعضی موارد الزامی است.

• چنانچه وثیقه‌گذار بعد از صدور حکم دادگاه بدوی حاضر به تودیع وثیقه نشود، مجوزی برای دادگاه صادر کننده رأی جهت صدور قرار قبولی وثیقه وجود دارد یا خیر؟

صدور قرار قبولی وثیقه پس از صدور حکم به محکومیت متهم تا زمانی که پرونده به دادگاه تجدیدنظر ارسال نشده است، مشمول مقررات قانونی فراغ نیست بلکه با توجه به اهمیت جرم و تعیین تکلیف محکوم علیه با فرض ابداع وثیقه و درخواست صدور قرار قبولی وثیقه، دادگاه مکلف به صدور قرار خواهد بود.

• در مواردی که جرم دارای جنبه عمومی باشد و شاکای در دادسرا صرفاً به اصل جرم رسیدگی می‌شود نه به مجازات، آیا دادسرا تکلیفی در خصوص جنبه خصوصی جرم دارد یا خیر؟

در مواردی که جرم دارای هر دو جنبه عمومی و خصوصی بوده و شاکای گذشت کرده باشد، دادسرا باید به رسیدگی خود ادامه داده و مستنداً به ماده ۶ قانون آیین دادرسی عمومی و انقلاب در امور کیفری تکلیف خاصی در مورد جنبه خصوصی جرم ندارد.

• آیا پس از ارجاع پرونده به دادگاه جزایی دادگاه باید در احطار به متهم قید کند نتیجه عدم حضور جلب است یا خیر؟

چنانچه پس از ارسال پرونده به دادگاه با صدور کیفرخواست دادگاه حضور متهم را در جلسه



آی‌دا پیغامی - شهروند حقوقی | رئیس قوه قضائیه در گفت‌وگویی که در برنامه ویژه خبری به مناسبت هفته قوه قضائیه برگزار شد، اعلام کرد که «در سال ۱۳۹۵، ۱۵ میلیون و ۳۰۰ هزار پرونده در قوه قضائیه به ثبت رسیده و رسیدگی به این پرونده‌ها دشوار است، به خصوص با توجه به کمبودهای قوه قضائیه در بحث منابع انسانی؛ اگر چه در این حوزه کارهای ارزشمندی شده ولی با وجود این کمبود رسیدگی به این رقم کار طاقت‌فرسایی است.» بحث کمبود نیرو و به‌ویژه قاضی در قوه قضائیه همواره به‌عنوان بحث روز در حوزه حقوقی مطرح بوده است و این موضوع را تعداد پرونده‌های وارد و ثبت شده به قوه قضائیه و روند طولانی بازرسی آنها ثابت می‌کند. آنچه از طرف مسئولان قوه قضائیه به‌عنوان کمبود قاضی و نیرو مطرح می‌شود این است که قوه قضائیه بودجه لازم برای جذب افراد جدید را ندارد و از طرفی تعداد قضات با سابقه در این حوزه که در حال بازنشسته شدن هستند رو به افزایش است و از طرف دیگر هم افرادی که به‌عنوان قاضی به‌تازگی وارد قوه قضائیه شده‌اند مدت زمانی را برای کسب تجربه در این حوزه بگذرانند تا بتوانند به نحو احسن کار خود را انجام دهند. همین موضوعات از نظر برخی از مسئولان منجر به طولانی شدن روند بازرسی در قوه قضائیه شده است.

با وجود تمام ندهایی که بر طولانی شدن روند دادرسی و زیاد شدن پرونده‌ها وارد است و آنچه در بالا به آن اشاره شد، اگر بخواهیم به‌صورت کلان‌تر به این موضوع نگاه کنیم در وهله نخست درمی‌یابیم که یکی از علت‌های زیاد شدن پرونده‌ها در دادسرا دادگاه‌ها این است که تعداد عناوین مجرمانه‌ای که در حال حاضر در کشور داریم، بسیار زیاد است. ما در کشور حدود ۱۸۰۰ عنوان مجرمانه داریم و این در حالی است که این عناوین هر سال نسبت به سال گذشته بیشتر می‌شود و رو به افزایش است. همین جرم محصور بودن قوانین و تعیین کردن جرایم مختلف برای هر کاری باعث می‌شود افراد حتی با اطلاعات بسیار اندک در برابر هر نوع خسارت جزئی از طرف مقابل خود شاکای شوند و همین کار آنها منجر به طرح شکایت و تشکیل پرونده در دستگاه قضائی می‌شود و همین موضوع منجر به بالا رفتن تعداد پرونده‌ها در قوه قضائیه و در نهایت گرفتن وقت قضات برای حل مسائل بسیار ساده شده است؛ مسائلی که شاید اگر از ابتدا با یک مشاور حقوقی در میان گذاشته می‌شد، احتیاجی به رجوع به مراجع قضائی برای طرح شکایت نمی‌داشت. در این مورد باید گفت در کنار کثرت عناوین مجرمانه در کشور مردم اطلاع کافی و آموزش لازم در مورد رجوع به وکیل و مشاور حقوقی برای حل مسائل حقوقی خود را ندارند و از طرفی هم همین موضوع منجر به گرفتن وقت دستگاه قضائی

شده است. نکته دیگر که در مورد زیاد شدن پرونده‌های قضائی در قوه قضائیه می‌توان از آن یاد کرد این است که تمام کارهای حقوقی در قوه قضائیه بررسی و انجام می‌شود و همین قوه قضائیه تنها متولی حل و فصل مسائل حقوقی مردم است. این در حالی است که اگر در هر سازمان بر حل مسائل حقوقی کار گروه داور می‌گذاریم می‌توانیم جلوی ورود حجم بسیار زیاد پرونده‌های حقوقی را به قوه قضائیه بگیریم مشکلات حقوقی هر سازمان را در میان گذاشتن آن با کار گروه داور می‌تواند از کار این قوه به سایر بخش‌ها واگذار شود. وزیر دادگستری هم می‌تواند نقش بسیار مهم‌تر در تعامل بین دو قوه و حتی قوه مقننه داشته باشد. با این حال برای این که نظرات کارشناسی شده حقوقی در مورد این که علت زیاد شدن پرونده‌های به ثبت رسیده در قوه قضائیه رو به افزایش است را بدانیم سراغ محمدعلی اسفغانی، حقوق‌دان و نماینده دوره نهم مجلس شورای اسلامی و قاضی عالی دادگستری رفتیم تا علت دقیق این موضوع را بدانیم.

قوه قضائیه ارجاع داد، گفت: این مطلب خوب و درست است ولی ما با یک اشکال جدی در این ماجرا مواجه هستیم، چرا که در قانون اساسی یک معنی داریم که گفته شده است دعای دولتی را نمی‌توانیم به داور رجوع کنیم. هم در قانون اساسی این موضوع آمده و هم در آیین دادرسی مدنی و طبیعتاً این مشکل را داریم. به اعتقاد ما هیچ ضرورتی هم ندارد که دعای دولتی نباید به داور می‌تواند رجوع کند. در تمام دنیا این کار را انجام می‌دهند و حتی در عرصه بین‌الملل شاهد این هستیم که بسیاری از دعای مهم بین ایران و بسیاری از کشورها از طریق داور می‌حل می‌شود. متأسفانه این نهاد قابل مقایسه نیستند. من به خاطر دارم سال‌ها پیش برای یک پرونده وکلای آن حدود ۸۰ میلیون تومان حق‌الوکاله گرفته بودند و کارشناس مسئول در آن پرونده حدود ۱۰ هزار تومان بود که از آن پرونده نصیب شد. دستمزد آن پرونده به همراه سایر پرونده‌هایی که در آن ماه گرفته بود را جمع بزنیم به اندازه دستمزد یکی از این افراد نبود. این موضوعات انگیزه قضات را بسیار کم می‌کند. این مسائل باید حل شود و راهکاری هم که به نظر من وجود دارد این است که تکالیف قانونی را دولت‌ها انجام دهند، به اضافه این که یک قاضی که فقط مدرک لیسانس دارد نمی‌توانیم بگوییم قاضی این ام‌ای است و تمام موضوعات را می‌داند. کسی که در عالم حقوق کار کرده است می‌تواند بفهمد که عالم حقوق اقیانوس بی‌کرانی است که اگر یک نفر ۳۰ سال هم در آن کار کند، تازه می‌فهمد که دانسته‌هایش نسبت به این اقیانوس کم است و عددی حساب نمی‌شود. از این باب هر قدر قاضی کار کند و تجربه کسب کند این تجربه گران‌بهار می‌تواند در سال‌های بعد از دریافت به جامعه ارائه دهد ولی متأسفانه شرایط زمانی که مناسب نباشد قاضی ممکن است این فضا را مناسب نپندد و ترجیح می‌دهد برای تأمین معاش خود دستگاه قضائی را ترک کند و قاضی جوان هم تا پای این قاضی برسد زمان می‌برد، به همین دلیل هم آسیب اصلی را باز مردم می‌بینند.

ترتیبی می‌تواند مسیر حق منحرف شود. وی در خصوص حق و حقوق دریافتی قضات و دیگر مشکلاتی که آنها را در امر قضات دارند، توضیح داد: وقتی یک پرونده در قوه قضائیه تشکیل می‌شود، دستمزدی که وکیل پرونده و کارشناس پرونده دریافت می‌کند را با دستمزدی که قاضی از آن یک پرونده دریافت می‌کند، مقایسه کنید. این موارد تحت هیچ شرایطی قابل مقایسه نیستند. من به خاطر دارم سال‌ها پیش برای یک پرونده وکلای آن حدود ۸۰ میلیون تومان حق‌الوکاله گرفته بودند و کارشناس مسئول در آن پرونده حدود ۱۰ هزار تومان بود که از آن پرونده نصیب شد. دستمزد آن پرونده به همراه سایر پرونده‌هایی که در آن ماه گرفته بود را جمع بزنیم به اندازه دستمزد یکی از این افراد نبود. این موضوعات انگیزه قضات را بسیار کم می‌کند. این مسائل باید حل شود و راهکاری هم که به نظر من وجود دارد این است که تکالیف قانونی را دولت‌ها انجام دهند، به اضافه این که یک قاضی که فقط مدرک لیسانس دارد نمی‌توانیم بگوییم قاضی این ام‌ای است و تمام موضوعات را می‌داند. کسی که در عالم حقوق کار کرده است می‌تواند بفهمد که عالم حقوق اقیانوس بی‌کرانی است که اگر یک نفر ۳۰ سال هم در آن کار کند، تازه می‌فهمد که دانسته‌هایش نسبت به این اقیانوس کم است و عددی حساب نمی‌شود. از این باب هر قدر قاضی کار کند و تجربه کسب کند این تجربه گران‌بهار می‌تواند در سال‌های بعد از دریافت به جامعه ارائه دهد ولی متأسفانه شرایط زمانی که مناسب نباشد قاضی ممکن است این فضا را مناسب نپندد و ترجیح می‌دهد برای تأمین معاش خود دستگاه قضائی را ترک کند و قاضی جوان هم تا پای این قاضی برسد زمان می‌برد، به همین دلیل هم آسیب اصلی را باز مردم می‌بینند.

کشور ما بالاترین تعداد عناوین مجرمانه را دارد اسفغانی در پاسخ به این پرسش که آیا می‌توان در سازمان‌ها، بخش حقوقی راه‌اندازی کرد تا تمام مسائل حقوقی سازمان‌ها به قوه قضائیه ارجاع داده نشود و تنها موردی که حل و فصل آنها با مشکل روبه‌رو است را به

طرف دیگر ورود کم قضات را داریم. در برنامه پنجم دیده شده بود که هر سال قوه قضائیه ۲۰۰ نفر قاضی و به اضافه آن ۲۰۰ نفر کارمند اداری را استخدام کند که متأسفانه در سه سال این اتفاق نیفتاد و دولت‌ها هم راهمی لازم را نکرده‌اند. در نتیجه قوه قضائیه نتوانست این مقدار نیرو را جذب کند. اگر هم همین تعداد را در نظر بگیریم طبیعی است که با کمبود نیرو مواجه هستیم. به اضافه این که گسترش شعب قضائی و افزایش مباحث و پرونده آگاهی ایجاد می‌کند که مجتمع‌ها زیاد شود. تمام این نکات منجر می‌شود که ما با کمبود قاضی مواجه و طبیعتاً دچار مشکل شویم. اسفغانی نکته دیگری را که از مشکلات قوه قضائیه بر شمرد، تعداد کم قضات در قوه است و در این باره افزود: نکته دیگر این است که طبق آمارهایی که اعلام کرد دهانه مشخص شده که ما حدود ۱۱ هزار قاضی داریم، از این ۱۱ هزار قاضی اولاً که تمام آنها کار قضائی نمی‌کنند و تعدادی از آنها در ادارات دیگر مأمور هستند و کار اداری انجام می‌دهند و بخشی از آنها نوع کارشان به‌صورتی نیست که مناسب کار قضائی است و تعدادی از آنها در مسایل هم بافت می‌شود که از مجموع ۱۱ هزار قاضی حدود ۴ هزار نفر از آنها به پرونده‌ها رسیدگی کنند. برنامه ششم توسعه راهکاری برای افزایش قضات این حقوقدان در نقد تعداد بالای پرونده‌ها در محاکم قضائی نیز توضیح داد: مردم الزام دارند که برای کوچکترین مسائلی که دارند حتماً به قوه قضائیه مراجعه کنند، خصوصاً در بحث اختلاف در مورد زمین و اجرای قراردادهای معاملاتی این موارد شکالاتی است که وجود دارد. اشکال دیگری که در این زمینه وجود دارد این است که عدم اطلاع از مسایل حقوقی در تنظیم قراردادهای صورت غیر حقوقی هم است.

این قاضی دادگستری درباره تعداد کم قضات و بازنشسته شدن تعدادی از قضات با تجربه نیز گفت: زمانی که رئیس قوه قضائیه می‌گوید تعداد قضات است، این واقعیت است. در این مورد با دو نکته مواجه هستیم یکی آن که تعداد قابل توجهی از قضات در حال بازنشسته شدن هستند به اضافه این که بسیاری از این قضات به سن ۳۰ سال خدمت نرسیده‌اند بنا بر این می‌گذارند که بازنشسته شوند و علت این که گاهی هجوم همکاران مادر بحث بازنشستگی بیشتر می‌شود این است که بازنشستگی تسهیل برخی قوانین است. مثلاً در بحث برنامه ششم مطلبی آمده بود که اگر آن تصویب می‌شد واقعاً چالش جدی را برای قوه قضائیه ایجاد می‌کرد و آن این بود که پسادانش پایان خدمت قضات را به یک چهارم یا نصف کاهش دهند، دلایلی ندارد که این امر در کشور تصویب شود. ما از یک طرف بحث خروج قضات را و از